

بازتاب قیام ۱۵ خرداد در آثار پیشاهنگان شعر انقلاب

محمد طاهری خسروشاهی^۱

چکیده

اگرچه می‌توان از ادبیات مشروطه به خصوص شعر این دوره، در بحث جریان‌شناسی شعر متعهد و انقلابی معاصر، به عنوان نقطه آغاز سخن گفت، که هم در لفظ و هم در مضمون شاعران دهه‌های بعدی تأثیرگذار بوده است؛ لکن دستاوردهای انقلاب مشروطه در بعد سیاسی و اجتماعی، با آغاز دیکتاتوری رضاشاه، یکسره از میان رفت. با وقوع قیام ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ و داغ شدن تنور انقلاب و اعتراض، بسیاری از شاعران در آن مقطع زمانی با فریاد تظلم و دادخواهی و با اهتزاز پرچم مبارزه از طریق شعر - و البته با زبان رمز و کنایه - به طرفداری از اهداف و آرمان‌های امام خمینی (ره) به مبارزه خاموش با سلطنت پهلوی پرداختند. این بیداری ادبی تا پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن‌ماه ۵۷ و روزهای شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی ایران تداوم یافت. در حقیقت شعر انقلاب با ورود آشکار امام به عرصه مبارزه در آغازین سالهای دهه چهل جاری می‌شود و اولین زمزمه‌های انقلاب و حرکت‌های منظوم به‌ویژه از قیام ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲

۱. پژوهشگر تاریخ معاصر





در حقیقت شعر انقلاب دقیقاً با خود انقلاب شروع نمی‌شود بلکه با ورود آشکار امام به عرصه مبارزه، اولین زمزمه‌های انقلاب و حرکت‌های اسلامی، به ویژه قیام ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ آغاز می‌شود و شخصیت بی‌نظیر امام خمینی و آرمان‌های انقلابی او، مورد التفات و ویژه شاعران معاصر قرار می‌گیرد

مطرح می‌گردد. نویسنده در این مقاله با بررسی زمینه‌های تاریخی شکل‌گیری شعر انقلاب در دهه چهل و تبیین ویژگی‌های موج دینی این شعر، نخستین سروده‌ها در باره قیام ۱۵ خرداد ۴۲ را به بررسی نشسته است.

کلید واژگان: شعر معاصر، قیام ۱۵ خرداد ۴۲، امام خمینی، شاعران انقلاب.

انقلاب اسلامی ایران یکی از باشکوه‌ترین انقلاب‌های معاصر و از حوادث بی‌نظیر چند

قرن اخیر است که با تکیه بر آرمان‌های استقلال طلبانه و عدالت خواهانه، دگرگونی فوق‌العاده‌ای در پایه‌های فرهنگی و فکری جامعه به وجود آورد. بر خلاف اغلب جریان‌های سیاسی، نهضت انقلابی حضرت امام (ره) تحت تأثیر فضای باز سیاسی پا به عرصه سیاست کشور نگذاشت، بلکه احساس تکلیفی اسلامی و انسانی بود که اگر چه سال‌ها با زور و خفقان خاموش بود، اما این بار به بهانه واکنش به تصویب لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی اوج گرفت.

رژیم وابسته که تصور می‌کرد بعد از درگذشت آیت‌الله بروجردی، مرجعیت قوی و بانفوذ شیعه و همچنین درگذشت آیت‌الله کاشانی چهره مبارز و سرشناس انقلاب، کار روحانیت در ایران پایان یافته است^۱، به عنوان اولین قدم با تصویب لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی علاقمند بود تا با تدوین قوانینی برای همیشه خود را از گرفتاری‌هایی که مذهب و مجالس مذهبی و روحانیون و مراجع در شکل‌های مختلف برای آنها ایجاد می‌کرد، خلاص نماید^۲، ولی غافل از این بود که با نفی کردن علنی ارزش‌های اسلامی آتش در زیر خاکستر مانده غیور مردان انقلابی را شعله‌ور می‌کند^۳.

از سویی درگذشت مرحوم آیت‌الله بروجردی سبب شد که فصل نوینی در اندیشه امام (ره) گشوده شود و ایشان مهر خاموشی را بشکند و فقه و فقاہت را با درایت و سیاست که جزء جدایی‌ناپذیر اسلام است، به هم بیامیزد^۴.

۱. سید جلال الدین مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، تهران، دفتر انتشارات اسلامی، بی‌تا، ج ۲، ص ۶۰.

۲. همان، ص ۵۳۶.

۳. عبدالرحیم ذاکر حسین، ادبیات ایران پیرامون استعمار و نهضت‌های آزادی‌بخش، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۹، ص ۵۳۶.

۴. امیر رضا ستوده، پایه پای آفتاب؛ گفته‌ها و ناگفته‌ها از زندگی امام خمینی، تهران، پنجره، ۱۳۷۳، ج ۳، ص ۲۸.

اگرچه شاه از قیام ۱۵ خرداد به عنوان «بهترین نمونه اتحاد دو جناح ارتجاع سیاه و قوای مخرب سرخ» که به زعم او با پول دسته‌ای از مالکان که مشمول اصلاحات ارضی شده بودند، یاد می‌کند، امام (ره) با تأکید مکرر بر مطالعه و بررسی این قیام آن را به عنوان نقطه عطف انقلاب اسلامی قلمداد می‌نماید

رژیم در این توطئه به شهر قم به عنوان پایگاه روحانیت توجه ویژه‌ای نشان داد و با ایجاد مراکز فحشا و مشروب‌خواری و ... می‌خواست به تشخص مذهبی قم پایان دهد.

روحانیون و طلاب جوان حوزه طی طوماری به این عمل ضداسلامی اعتراض کردند و امام خمینی (ره) نیز عکس‌العمل نشان داد.

با تصویب انقلاب سفید شاه و بی‌اعتنایی به جامعه مذهبی ایران، مخالفت‌های اساسی مراجع و روحانیون با دولت و شخص شاه بیشتر شد و امام این بار مهر خاموشی خود را شکست و با سخنرانی‌ها و انتشار اعلامیه‌ها، مبارزه علنی را اعلام کرد و موج احساسات اسلامی مردم مبارز را به حرکت درآورد.

رو در رویی روحانیت با شخص شاه، باعث افزایش تهدیدات شاه و مسافرت وی به قم و کشتار مدرسه فیضیه و دستگیری امام خمینی (ره) و واکنش مردم شد و سرانجام طی یک روند ۹ ماهه از تصویب لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی به قیام خونین ۱۵ خرداد و کشتار بی‌رحمانه مردم منتهی شد. به اعتقاد امام (ره) بازتاب این واقعه خونین در آن برهه، زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و مبانی فکری و فرهنگی انقلاب اسلامی را به وجود آورد.

یکی از عواملی که در آن سال‌ها تأثیرگذاری این قیام را در اذهان مردم ایران بیشتر می‌کرد، بازتاب سریع و متعهدانه واقعه خونین خرداد ۱۳۴۲ در اشعار شاعران انقلابی بود. اگرچه اغلب این اشعار علنی و گاهی بدون نام و نشان منتشر می‌شد اما دهان به دهان تکرار می‌شد و هر روز گوشه‌ای از عمق این فاجعه عظیم را برای مردم به یاد می‌آورد.

هنوز هفته‌ای از شروع این قیام‌ها نگذشته بود که روزنامه «فریاد» که از طرف عده‌ای از جوانان غیور روحانی و بازاری منتشر می‌شد آغاز به کار کرد، و در آن شرایط مرگبار، عملی متهورانه و فوق‌العاده انجام داد؛ روزنامه مزبور لبه تیز حمله را متوجه شخص شاه ساخته و او را مسئول جنایات ۱۵ خرداد و دیگر جنایات دانست و در آن شرایط خفقان‌بار، برای اولین بار اشعار بسیار شجاعانه‌ای در حمایت از قیام ۱۵ خرداد به چاپ



رساند^۱:

پیام به خمینی بت شکن

آیت‌الله خمینی آیت‌اللهی تورا است مرجع تقلید مایی حق خون خواهی تورا است
ما درودت می فرستیم و سلامت می کنیم روزگار تلخ را شیرین به کامت می کنیم
لکه ناحق بر پیراهن پاکت زند ما مسلمانان بری از اتهامت می کنیم
بر علی سوگند و بر جان شهیدانش قسم شاه را ما عاقبت روزی غلامت می کنیم

در حقیقت باید گفت اگر چه قیام ۱۵ خرداد در واکنش به وضع موجود به وقوع پیوست
اما معنا و جایگاه تاریخی آن با انعکاس در ادبیات انقلابی و مردمی باعث تحریک و تهییج
مردم برای ادامه مبارزه و نهایتاً وقوع انقلاب اسلامی شد.

اهمیت بازتاب قیام ۱۵ خرداد در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)

با آنکه حوادث فاجعه آمیز قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، یک نیم‌روز بیشتر به طول نمی‌انجامد
اما در فردای حادثه، سرکوب و کشتار تظاهر کنندگان مبدأ و نقطه آغازین حرکت‌های
بعدی انقلاب اسلامی می‌شود.

اگر چه شاه از قیام ۱۵ خرداد به عنوان «بهترین نمونه اتحاد دو جناح ارتجاع سیاه و
قوای مخرب سرخ» که به زعم او با پول دسته‌ای از مالکان که مشمول اصلاحات ارضی
شده بودند، یاد می‌کند، امام (ره) با تأکید مکرر بر مطالعه و بررسی این قیام آن را
به عنوان نقطه عطف انقلاب اسلامی قلمداد می‌نماید.

تأثیر و اهمیت این روز تاریخی در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) چنان مشهود است
که حتی در غزل مشهور و عارفانه «انتظار» که توسط امام (ره) سروده شده است، واژه
خرداد پایان دهنده تمام انتظارهای ایشان معنا یافته است:

روزها می‌گذرد حادثه‌ها می‌آید
انتظار فرج از نیمه خرداد کشم
در تمام دوره‌های گذشته در تاریخ ایران، همه حوادث تأثیر گذار، همراهی شعر و ادبیات
را با خود داشته‌اند و از دیرباز شعرهای وطنی و یا به اصطلاح وطنیات، یعنی سروده‌هایی
که برخاسته از حب به وطن باشد، از باورها و اندیشه‌های ملت ایران محافظت کرده‌است؛
فردوسی، حافظ، عطار، سنایی، مولانا، سعدی و بسیاری دیگر از شاعران در آثار خویش

۱. سید حمید روحانی، بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی در ایران، تهران، انتشارات دارالفکر، ۱۳۵۸،
ص ۶۱۳-۶۱۲.

۲. غلامرضا نجاتی، تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۹، ص ۲۳۶.

شعرهایی که با الهام گرفتن از قیام ۱۵ خرداد سروده می‌شدند، دارای زبانی تند و بی‌پروا بودند که اندیشه‌ها و آرمان‌های مردم را سرلوحه خود قرار می‌دادند. این اشعار از نمونه‌های کامل شعر وطنی هستند که به تأثیر از سخنان و روشنگری‌های حضرت امام (ره) رفته رفته، رنگ اسلامی و مذهبی به خود می‌گیرند

با کنایه و اشاره، وظایف شاهان و حاکمان و دیگر اقشار جامعه را یادآور شده‌اند و در آرزوی رسیدن به آرمان شهری کامل، شعرهای بسیار به نظم درآورده‌اند. آخرین نمونه درخشان آن در دوران پیش از انقلاب اسلامی، دوره انقلاب مشروطه است که آثار پدیدآمده طی آن به لحاظ حضور و نه به لحاظ ارزش هنری، منشأ تحولات عمده‌ای در ادبیات شد. شاعران دوره مشروطه به دلیل بیداری و آگاهی و ورود اندیشه‌های نوین آزادی‌خواهی، پیشاپیش مردم، شعر را در خدمت

اهداف و آمال مردم به کار گرفتند^۱ و به جای به کار گرفتن کنایه و نماد و رمز در شعر، صراحتاً نیازها و خواسته‌های ملت را بیان کردند. شعر این دوره، شعری کاملاً اعتراضی به اوضاع جامعه است که پایمال خواسته‌ها و چکمه‌های دو ابر قدرت استعماری انگلیس و روس است.

اگرچه می‌توان از ادبیات مشروطه به خصوص شعر این دوره، در بحث جریان‌شناسی شعر متعهد و انقلابی معاصر به عنوان نقطه آغاز سخن گفت که در لفظ و مضمون شاعران دهه‌های بعد تأثیر گذار بوده است؛ اما دستاوردهای انقلاب مشروطه در بعد سیاسی و اجتماعی، با آغاز دیکتاتوری رضاشاه، یکسره از میان رفت. با شروع قیام مردمی ۱۵ خرداد و داغ شدن تنور انقلاب، بسیاری از شاعران در آن مقطع زمانی سکوت را جایز ندانستند و با اهتزاز پرچم مبارزه از طریق شعر، موجودیت و موضع خویش را با رهبری امام در قالب شعر علنی کردند. این بیداری ادبی تا پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن‌ماه ۵۷ تداوم یافت. در حقیقت شعر انقلاب دقیقاً با خود انقلاب شروع نمی‌شود بلکه با ورود آشکار امام به عرصه مبارزه، اولین زمزمه‌های انقلاب و حرکت‌های اسلامی، به‌ویژه قیام ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ آغاز می‌شود و شخصیت بی‌نظیر امام خمینی و آرمان‌های انقلابی او، مورد التفات ویژه شاعران معاصر قرار می‌گیرد.^۲ اما به واسطه فضای بسته سیاسی و نبود آزادی قلم، این شعرها در آن زمان مجال حضور نمی‌یابند و اگرچه به شکل همه‌جانبه نمی‌توانند در ادبیات کشور قد علم کنند اما در حافظه مردم مبارز و ستم‌کشیده ایران هر

۱. سعید علایی، جریان‌شناسی شعر/انقلاب اسلامی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷، ص ۴۹.

۲. سعید علایی، همان، ص ۴۸.





روز تکرار می‌شوند و به نوعی سلاح مقاومت و امیدواری مردم می‌شوند. شعرهایی که با الهام گرفتن از قیام ۱۵ خرداد سروده می‌شدند، دارای زبانی تند و بی‌پروا بودند که اندیشه‌ها و آرمان‌های مردم را سرلوحه خود قرار می‌دادند. این اشعار از نمونه‌های کامل شعر وطنی هستند که به تأثیر از سخنان و روشنگری‌های حضرت امام(ره) رفته رفته، رنگ اسلامی و مذهبی به خود می‌گیرند.

قیام ۱۵ خرداد و علنی شدن شعر سیاسی

تا پیش از وقوع قیام ۱۵ خرداد دغدغه شعر سیاسی و انقلابی در کشور ما به عنوان یک جریان حاشیه‌ای و گاه بی‌اهمیت قلمداد می‌شد، چون مطبوعات ادبی و غیرادبی آن زمان در انحصار قشر خاصی بود که مجال حضور به مخالفان و حتی منتقدان را نمی‌دادند، اما بعد از ورود آشکار امام(ره) به عرصه مبارزه و واقعه قیام خونین ۱۵ خرداد، بسیاری از شاعران با گرایش‌های مختلف با ستایش قهرمانان مبارزه، وصف شکنجه‌ها و زندان‌ها و میدان‌های اعدام، و انتظار پیروزی و... پایه‌های شعر انقلابی را پایه‌ریزی کردند.

در نهضت خرداد بسیاری از شاعران شعرهای انتقادی و حماسی خود را بی‌نام و نشان منتشر می‌ساختند. اگرچه بسیاری از این شاعران قصد همراهی با انقلاب را داشتند، اما همه مؤلفه‌های شعر انقلاب را با خود نداشتند، ضعف عمده این نوع شعرهای سیاسی و یا احیاناً انقلابی عدم توجه به مفاهیم مذهبی بود.^۱ به عنوان نمونه اغلب شاعران چپ‌گرا عرصه ظهور را بعد از قیام ۱۵ خرداد برای خود آماده یافتند و با پشتوانه تشکیلات حزب و تریبون‌های خود، در غلیان پرشور مبارزات مردم، از طریق شعر اهداف خود را بازگو می‌کردند. اخوان ثالث از جمله شاعران معترض علیه رژیم شاه بود که چندین بار علیه رژیم دست‌نشانده پهلوی و نفوذ دولت‌های بیگانه مبارزه کرده بود و با شعر انتقادی و حماسی خود، بعد از ۱۵ خرداد در مسیر انقلاب حرکت می‌کرد.^۲ با وجود این، باید گفت نقطه آغاز مبارزه علنی شاعران و نویسندگان، به منظور رسیدن به هدف مشترک که همان براندازی حاکم جور بود، بعد از واقعه ۱۵ خرداد به وجود آمد.

۱. سعید علایی، همان، ص ۱۵۴.

۲. نعمت میرزا زاده و محمد رضا شفیعی کدکنی، شعر امروز خراسان، مشهد، توس، ۱۳۴۲، ص ۶۲.

نخستین بازتاب‌ها و واکنش‌ها

در دومین سالگرد قیام ۱۵ خرداد، شعری نیمایی و نسبتاً بلند با عنوان «خون‌های جوشان»، در ششمین شماره مجله «انتقام» درج شد. این شعر که از حجت‌الاسلام محمدحسین بهجتی یزدی (شفق) است به نظر می‌رسد اولین شعری بود که به طور علنی برای شهدای قیام ۱۵ خرداد به نظم درآمده است. مرحوم حجت‌الاسلام شفق، از گروه اولین شاعران

در دومین سالگرد قیام ۱۵ خرداد، شعری نیمایی و نسبتاً بلند با عنوان «خون‌های جوشان»، در ششمین شماره مجله «انتقام» درج شد. این شعر که از حجت‌الاسلام محمدحسین بهجتی یزدی (شفق) است به نظر می‌رسد اولین شعری بود که به طور علنی برای شهدای قیام ۱۵ خرداد به نظم درآمده است

متعهدی است که بعد از وقوع قیام ۱۵ خرداد، به مناسبت‌های مختلف از جمله رثای شهدای ۱۵ خرداد و آزادی امام خمینی، اشعار حماسی زیبایی سروده است. در اینجا به عنوان نمونه به گلچین متن‌هایی از اولین شعر درباره شهدای ۱۵ خرداد، با عنوان خون‌های جوشان اشاره می‌کنیم:

خون‌های جوشان

افق امروز چرا سرخ‌تر است
سینه‌اش خونین است
می‌خراشد رخ و خون می‌ریزد
دامنش رنگین است
یارب این منظره چیست؟
راستی این بر و این بوم سیه، ایران است؟
پس چرا ویران است
این همان کشور آباد کهن سال بود؟
راستی بیشه شیران است این؟
پرورشگاه دلیران است این؟
نه، نه، کو شکوه جمشید؟
کو جلال ابدیت که بر آن می‌زد موج؟
چه شد آن کاخ که زنجیر عدالت می‌داد
زینت ایوانش؟





دیگر آن ایران نیست
 محبسی ویران است
 ملتی پای به زنجیر و اسیر
 اندر آن می‌نالند
 این افق نیست که بینی از دور
 گرد این حبس، حصار یست بلند
 که ز خون شهدا
 جابه جا قرمز و خون آلود است
 وه که این صحنه چه درداندوه است
 دیگر این ایران نیست کوره‌ای سوزان است...
 افق امروز ملال انگیز است
 می‌خراشد رخ و خون می‌ریزد
 در غم پانزده خرداد است
 تا ابد ننگ از این حادثه برمی‌خیزد
 نرود هیچ ز یاد
 خون زند جوش هنوز
 در تن پاک شهیدان غیور
 خون آن مردم آزاد نیفتد از جوش
 آری این شعله نگرده خاموش
 هرگز آرام نگیرد این موج
 تا ز بن برنکند ریشه بیداد سیاه
 به امید آن روز...^۱

محمدرضا حکیمی از دیگر شاعران انقلابی است که با قصیده‌ای زیبا با ترسیم اوضاع خفقان‌آور سیاسی و اجتماعی، بعد از قیام ۱۵ خرداد در زنده نگه داشتن این حادثه مهم انقلابی نقش آفرینی کرده است.^۲ به گونه‌هایی از این شعر بلند و زیبایی «عاشورا آفرین قرن» اشاره می‌کنیم:

۱. *خاطرات حجت الاسلام والمسلمین محمد حسین بهجتی (شفق)*، به کوشش محمد قبادی، تهران، سوره مهر، ۱۳۸۸، ص ۸۳.
 ۲. غلامرضا جلالی، همان، ص ۱۱.

خشم مقدس

خون شفق دوباره سر از بی کران کشید گردون لوی خون به فراز زمان کشید
شد منفجر ز سینه آفاق خون حق وز رمز انقلاب خط ارغوان کشید
خونی نگاره گشت افق تا افق ز خون رنگ شفق صلاهی جهاد آوران کشید
روح زمانه خسته شد از سستی و سکوت ناگه ز دل خروش چون کوه گران کشید
افسرده بود همت مردان حق و باز مردانه همتی همه را در میان کشید
این گلّه را که گرگ ز هر سو روده بود در خط احتفاظ، خروش شبان کشید

آن آتش نهفته به چندین هزار نسل زد باز پس شراره و تا آسمان کشید
دین خدا دوباره به سرلوحه زمان خود را به دوش همت آن قهرمان کشید
فرزند پاک موسی جعفر کزین نسب پا از شرف به فرقه فرقدان کشید
آن کو که خود نمونه آن حشمت است و بس کاین بار مکرمت خود از آن دودمان کشید
هارون پست کرد به زندان و را و او در راه حق و جامعه جور خسان کشید

ای پیشوای شیعه که تاریخ ما ز تو از افتخار پا به سر کهکشان کشید
قم را شکوه نهضت تو در همه جهان اندر شمار مکتب آزادگان کشید
قم جای درس بود و سکوتی خمودگون وینک حماسه اش ز تو تا هر کران کشید
ای پیشوای خلق که تاریخ انقلاب نقش تو را به طاق بلند زمان کشید
خورشیدسان خروش تو از مرز خاوران تا دورتر کرانه غرب جهان کشید
ای قرن ها حماسه و ای سال ها خروش ای کز تو انقلاب سوی جاودان کشید
نام تو زنده است که خود دست روزگار نام تو را چو خور به سر خاوران کشید





صد آفرین به روح خمینی و نهضتش کاین گونه خلق را به جهادی گران کشید
 خشم مقدس همه آزادگان شوق از جان پر خروش وی اینسان زبان کشید
 ای بت شکن که شور تو این خلق خفته را بیرون ز خواب خویش چوسیل دمان کشید
 کو تا تو را زمانه شناسد که کار تو یکباره ره به جرگه پیغمبران کشید
 رزم تو زنده کرد بسی نقش‌های پاک کز مصلحان، زمانه به هر شارسان کشید
 دین خدا به ورطه ذلت فتاد و باز از یمن همت تو از این ورطه جان کشید

اسلام زنده گشت ز شور قیام تو فریادها به راه تو نسل جوان کشید
 ای کاوه مقدس بیدادگر، کنون دست تو پرده از رخ ضحاکیان کشید
 ضحاک پست خون طلب ماردوش را پرهیب مجدزاد تو اندر هوان کشید

از دیگر شاعران انقلابی که با راه‌اندازی انجمن نغمه‌سرایان مذهبی از سال ۱۳۵۱، در
 افشا کردن چهره حقیقی رژیم پهلوی اهتمام داشت، محمدعلی مردانی است که در
 توصیف قیام ۱۵ خرداد و حوادث بعد از قیام، شعرهای بسیار حماسی با وزن‌های مختلف
 سروده است. به یک نمونه از این اشعار ارزشمند اشاره می‌شود:

دست ظلم شاه

آن روز صبح مردم نستوه نامدار از گوشه و کنار
 پیر و جوان و مرد و زن از خرد و از کبار
 با عزت و وقار
 از هر طرف چو موج خروشان که در بحار
 در کوی و رهگذر خوشحال و شاد و خرم و قلب امیدوار
 با گام استوار
 حق جوی و حق طلب همه با شعله گناه
 با سوز اشک و آه تا قطع گردد از سرشان دست ظلم شاه
 هستند دادخواه^۱

تندباد حادثه

بازم نه دیده خفت و نه اندیشه آرמיד
نی زان امیر قافله شب، خبر رسید
آن بامداد پردگی شب، که از افق
سر برزد و به پرده شب گشت ناپدید
و آن آفتاب دانش و انصاف و مردمی
در شهر بند فتنه اهریمنی چه دید؟
بانگ سمند صاعقه افشان او چه شد؟
کاتش به دیولاخ ستم گستری کشید؟
بس حلقه های آه به محراب صبحدم
زد آرزو به بوی توای قبله امید
آن شاهباز نادره پرواز یک نفس
آراست بال و بر سر ایوانم آرמיד
نیلوفر سپیده ز تالاب صبحدم
سر بر فراشت از افق عمر و بردمید
چون یک بهار زمزمه و جلوه در خیال
گسترده بال و از سر ایوان من پرید
این بود، هر چه بود، اگر صبح اگر که وهم
یا از جوانی به دروغی یکی نوید
خوابی شد و به سایه شب آشیان گرفت
یادی شد و به کنج فراموشی آرמיד
یادی چگونه یاد، که یک سر ز یاد رفت
خوابی چگونه خواب، که دیگر ز سر پرید
زین پس جدا از او من و بختی که یک نفس
بیدار می نیامد و چشمی که نغنوید
هیچ ار نبود بخت و جوانی چه شد کز او
باری، نه هیچ نام کسی برد و نی شنید
در انتظار چهر تو شب پای تا به سر
شد چشم انتظار و ز اندوه شد سپید
چون تندباد حادثه انگیخت فتنه ای
هر ذره ای مرا به دیاری پراکنید^۱



۱. محمد علی مردانی، فروغ/بمان؛ مجموعه شعر محمد علی مردانی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲، ص ۱۶۰.



مرحوم مهرداد اوستا از دیگر چهره‌های شناخته شده ادبیات انقلاب است که از ابتدای نهضت ۱۵ خرداد با سرودن اشعار حماسی و انقلابی، تا انتها در کنار انقلاب ماند. اوستا که برخی او را «پدر شعر انقلاب» می‌دانند، افزون بر اشعار بسیاری که در حمایت از آرمان‌های انقلاب ساخته، قصیده‌ای بلند و خوش قافیه با عنوان «پردگی بامداد» سروده است. این قصیده پنجاه و شش بیتی که در اعتراض به تبعید امام بعد از حادثه ۱۵ خرداد، نگاهی پرشکوه و لبریز از امید و انتظار دارد به روشنی بازتاب‌دهنده تمام واقعیت‌های نهفته در قیام ۱۵ خرداد است که با کلماتی رسا و مستحکم و وزین در ادبیات شعرهای انقلابی قبل از وقوع انقلاب، می‌درخشد. بندهایی چند از این قصیده زیبا را مرور می‌کنیم:

پردگی بامداد

آن مرغ را چه بیم قفس، کش نمانده‌اند
 آوایی و مجال که زی گلبنی پرید
 بر من خدای داند و پیغمبرش اگر
 بیداد رفت و فتنه به مردم چه‌ها رسید
 سرمست هیچ باده نیاید کسی چو من
 زین باده خدایی اگر جرعه‌ای کشید
 با من به خون تپید اگر بی‌گنه کسی
 ناگه به تیغ کینه به خون اندرون تپید
 خونابه‌اش ز دیده من ریخت گر به قهر
 خاری به پای برهنه پای فرو خلید
 واپس تر آمدم چو رسن تاب هر چه بیش
 تابید خاطر من و اندیشه‌ام تنید
 بالای آن درخت بنازم که آسمان
 تا یکسرش به قهر بن شکست ناخمد
 زان آتشی که سوخت مرا هیچ کس نسوخت
 وان محنتی که دیده من دید کس ندید
 بر سر ستاره خواهی اگر بایدت نخست
 دستی که بر سر ستاره تواند همی رسید
 روزی که ای امید دل مهر و مردمی
 سر بر کشی ز دامن شبگیر همچو شید

باری بپرس منتظران را کز اشتیاق
 دور از تو و انتظار چه جان‌ها به لب رسید
 خورشید اگر نبود به چشمت نهان چرا
 چون دیدگان گشودی ناگه سحر دمید
 بخت مرا نکشت یکی گل که خود نشد
 خار ندامتی که نه در پای جان خلید
 چون غنچه پرده پرده دلیم، خون شد از غمت
 کش دیده قطره قطره به دامن فرو چکید
 آزادگی چو خواست گزیند نژاده‌ای
 و آزادگی و کرامت حالی تو را گزید
 ای چرخ داد مردم آزاده را بگوی
 انصاف را طلوع کدامین بود نوید
 خورشید تو که از بر خاور گشود پر
 یا مهر من که از افق باختر دمید؟^۱

یکی از شعرهای معروفی که در نخستین روزهای پس از قیام ۱۵ خرداد بر لبهای مبارزان جاری بود، شعر معروف «قسم به جان خمینی زعیم مدار» است که توسط محمدعلی صاعد سروده شده است. محمدعلی صاعد با استفاده از آیات و روایات و با به کار بردن نمادهایی مانند «شهید» که پیش از این کمتر در شعر فارسی به چشم می‌خورد، به روایت تازه‌ای از واقعه ۱۵ خرداد می‌پردازد:

زعیم‌شرع‌مدار

قسم به جان خمینی، زعیم‌شرع‌مدار
 به رهروان حقیقت، به حرمت احرار
 به خون پاک شهیدان راه آزادی
 به حق هر که کند با ستمگران، پیکار
 به مادری که، جگر گوشه‌اش به خون غلتید
 به کودکی که فکندش، مسلسل اشرا
 که شاه‌خائن بیدادگر، اگر از کین،
 هزار مرتبه کشتار را کند تکرار

۱. مهرداد اوستا، *راما؛ مجموعه سروده‌های مهرداد اوستا*، تهران، مرکز نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۷۰، ص ۲۵۲.





ز دودمان وی و جمله جیره خواریش به انتقام شهیدان برآوریم دمار^۱

از دیگر سرشناسان متعهد شعرهای انقلابی قبل از وقوع انقلاب، غلامرضا قدسی، شاعر پرآوازه خراسانی است که بارها به دلیل سرودن اشعار انقلابی به زندان افتاده و شکنجه‌های جسمی و روانی بسیار در این راه دیده و چشیده است. وی حتی قبل از وقوع قیام ۱۵ خرداد بارها با زبان رمز، سکوت مرگبار حاکم بر کشور را به تصویر می‌کشد. وی بعد از ۱۵ خرداد نیز با انعکاس صحنه‌های پرشور مبارزات پنهان و آشکار مردم، در اشعار خود از کنار این رویداد مهم اجتماعی و دینی بی تفاوت نگذشت و دین خود را ادا کرد. قدسی در سالگرد نهضت و در بهار ۱۳۴۳ که استبداد، بسیاری از مقاومت‌ها را درهم شکسته بود و اندیشه‌های کینه‌توزانه دیگری را در سر می‌پروراند، قطعه «سایبان شعله» را سرود:

سایبان شعله^۲

بهار آمد و و از خرمی نشانی نیست گلی شکفته به دامان بوستانی نیست
سرشک ابر غباری نشست از رخ باغی که از طراوت و لبخند گل نشانی نیست
مگر ز خلوت گل پر نمی‌کشد نکبت که گرم شور و نوا مرغ نغمه‌خوانی نیست
چه غنچه‌ها که شد از جور باغبان پر پر خوش آن چمن که گرفتار باغبانی نیست
سکوت مرگ چنان خیمه زد به دامن دشت که در خروش، در این دشت کاروانی نیست
به گوش غنچه نسیم سحر نهانی گفت درین چمن گل شاداب و شادمانی نیست
درین محیط چنان بسته لب ز بیم صدف که غیر دیده روشن گهر فشانی نیست
مکن اطاعت فرمان اهرمن ورنه تو را به سر به جز از شعله سایبانی نیست
چنان گرفته دلم «قدسی» از وطن که مرا به غیر گوشه ویرانه آشیانی نیست^۱

نعمت میرزا زاده (م. آزر م) - صرف نظر از عاقبت سیاسی و فکری و فرجام ادبی اش و تنها به لحاظ اهمیت تاریخی - از دیگر شاعرانی است که در توصیف این قیام و ستایش نهضت امام خمینی اشعار خوبی دارد. در میان آنها قصیده «به نام تو سوگند» جدا از

۱. سایت پانزده خرداد.

۲. نعمت میرزا زاده، همان، ص ۷۸.

صلابت کلام، اولین شعری است که در آن از رهبر انقلاب با تعبیر «امام» یاد می‌شود. حتی امام در نامه خود به استاد محمدرضا حکیمی در آبان ۱۳۴۸ به این شعر میرزا زاده اشاره کرده است:^۱

مجاهد در بند

ای ز وطن دور ای مجاهد در بند
ای دل اهل وطن به مهر تو پیوند
نای تو خاموش همچو خشم که در خشت
جان تو در جوش همچون شیر که در بند
ای ز وطن دور ای امام خمینی
ای تو علی را یگانه پور همانند^۲

اگرچه اشعار شاعران متعهد انقلابی قبل از پیروزی انقلاب که از قیام ۱۵ خرداد جریانی حماسی و انقلابی آفریدند، اغلب بسیار منسجم و با کلماتی متین و مستحکم آمیخته شده‌اند، اما در حقیقت در آن برهه تاریک و سرنوشت‌ساز تاریخ، اغلب شاعران به چگونه گفتن شعر توجه چندانی نداشتند و بیشتر با دغدغه «چه گفتن»، شعر می‌سرودند چنانکه برخی از شاعران موزون سرای صاحب سبک پیش از انقلاب نیز برای همراهی با پیام‌ها و آرمان‌های انقلاب به شعر بدون وزن یا نیمایی روی می‌آوردند. در اغلب موارد ملاحظه می‌شود که شاعران، مبارزات و در خون غلطیدن‌ها و حماسه‌های انقلابی مردم و رهبر خود را در تمام قالب‌های ادبی به تصویر کشیده‌اند.^۳

بخش عمده‌ای از سراینندگان شعرهای حماسی و انتقادی نهضت ۱۵ خرداد، اشعار خود را بی‌نام و نشان منتشر می‌ساختند و با آنکه بسیاری از این شعرها میان مردم دست به دست می‌گردیدند اما متأسفانه علی‌رغم اهمیتی که دارند هنوز سراینندگان اغلب این اشعار را نمی‌شناسیم. به یک نمونه از این سروده‌های بی‌نام و نشان، اما تأثیرگذار که پس از دستگیری حضرت امام (ره) در میان مردم منتشر شد اشاره می‌کنیم:

۱. روح الله خمینی، صحیفه امام؛ مجموعه آثار امام خمینی (س)، تهران، عروج، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۲۵۳.

۲. سایت پانزده خرداد.

۳. علی بابا چاهی، گزاره‌های منفرد، تهران، سینتا، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۴۸۳.





پیشوای ملت در زندان^۱

شاه را گو مرجع تقلید را آزاد کن
مسلمین خسته دل را زین آلم دلشاد کن
گر نداری رحم بر ملت بیا اندیشه‌ای
از ورق گردانی این چرخ بد بنیاد کن
گر که می‌نازی به تخت و بخت و تاج و اقتدار
این جهان فانیهست، تاریخ پدر را یاد کن
رهبر دین پیشوای ملت و زندان کجا
خویش را آماده بهر کیفر میعاد کن
ای که می‌خواهی دوام سلطنت از خون خلق
یادی از آن روزهای آخر مرداد کن
گر چو این مشروطه باشد آف بر این مشروطه باد
ای دمو کراسی نما اعلام استبداد کن
سازمان‌هایی دهی تشکیل بر آزار خلق
خلق را آسوده از این لانه جلا داد کن
دوستان را می‌کنی سر کوب بهر دشمنان
دوست را در یاب نامی بهر خود ایجاد کن
دادگاه عدل حق اندر کمین ظالم است
خویش را آگه دمی از دام آن صیاد کن
سوختند ایرانیان از آتش بیگانگان
این بساط ظلم را یارب تو خود بر باد کن
حق و باطل این زمان گردیده با هم روبه‌رو
بگذر از خود بهر خلق، در راه حق ارشاد کن^۵

نتیجه‌گیری

در مجموع باید گفت پس از واقعه قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ تا سقوط سلطنت پهلوی در سال ۱۳۵۷، شعر فارسی به خوبی همراهی اش را با جریان انقلاب و حرکت‌های پر شور مردمی نشان داد و با تمام توطئه‌ها و نقشه‌هایی که ساواک و رژیم پهلوی به منظور زدودن نام و یاد و آرمان‌های انقلابی امام (ره) انجام می‌داد، وفاداری و گرایش توده‌ها نسبت به امام روز به روز فزونی می‌یافت. شاعران از طریق سرودن شعر، نام و آرمان‌های رهبر تبعیدی خود را زنده نگه می‌داشتند و مردم نیز با انتشار و نوشتن آن اشعار و شعارها بر روی دیوارها و حتی بر روی اسکناس‌ها، پیام قیام خونین ۱۵ خرداد را تا تداوم پیروزی انقلاب اسلامی ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ ادامه دادند. بازتاب قیام ۱۵ خرداد در شعر شاعران پیشرو انقلابی، این جرأت و شهامت را به بقیه شاعران بخشید تا در وقایع بعدی انقلاب از جمله تبعید امام، قیام‌های خونین ۱۹ دی ماه قم، ۲۹ بهمن تبریز، ۸ فروردین یزد، ۱۷ شهریور خونین و بسیاری از روزهای سرنوشت‌ساز قبل از انقلاب، اشعار حماسی و انقلابی زیبایی در صفحات شعر و ادبیات مقاومت به یادگار بگذارند و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، نیز به ویژه در دوران جنگ با رسالت احیا و بازسازی ارزش‌های انسانی و اسلامی، انقلابی شگرف در محتوا و متن ادبیات و شعر فارسی به وجود بیاورند.

۱. سید حمید روحانی، همان، ص ۷۷.